

## تعدد ظاهری اسباب (مسئولیت مدنی عوامل مجمل) در قانون مجازات اسلامی

فرنگیس احمدی<sup>۱</sup>، مریم احمدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مدرس مدعو گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، ممسنی، ایران

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، مدرس مدعو گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، ممسنی، ایران

---

### چکیده

در سبب مجمل اشخاص به طور مستقیم؛ اما هم زمان اعمال مشابه انجام می دهند و در نتیجه اقدام یکی از آنها باعث ورود ضرر می شود و دشواری جبران خسارت زیان دیده در مواردی است که عامل زیان معین بین چند عامل معین و یا نا شناخته به شکل اجتماع سبب و مباشر؛ اجتماع چند سبب؛ اهم از طولی و عرضی؛ و اجتماع چند مباشر؛ دخالت داشته باشد. در این موارد احراز رابطه سببیت بسیار دشوار است. این رابطه آنقدر مهم است که عدم اثبات آن؛ به منزله عدم مسئولیت است و دادرسی به ناچار باید برای تحمل مسئولیت بر عامل یا عاملان خسارت رابطه سبب بین فعل زیانبار و خسارت وارده را احراز کند.

**واژه‌های کلیدی:** سبب مجمل، سبب ناشناس، تعدد اسباب، اجتماع سبب و مباشر.

---

**مقدمه**

یکی از قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی که در قانون مجازات اسلامی جدید نیز بر ضرورت آن تاکید شده است، وجود رابطه سببیت میان فعل زیانبار و زیان است. اصولاً، مادام که زیان دیده قادر به تعیین عامل ورود زیان نیست صدور حکم به جبران خسارت میسر نخواهد بود. دشواری بار اثبات سببیت وقتی دو چندان می شود که در ایجاد حادثه زیانبار، دو یا چند عامل، به شکل اجتماع سبب و مباشر، اجتماع چند سبب اعم از طولی و عرضی و اجتماع چند مباشر دخالت داشته باشند.

در مورد یافتن مسئول یا مسئولان حادثه در مواردی که سبب محصور در تعداد معینی از افراد است بدون آنکه بتوان دقیقاً عامل زیان را معلوم کرد و اصطلاحاً سبب مجمل گفته می شود و نحوه توزیع خسارت در فرض تعدد اسباب عرضی و تعیین مسئول حادثه در صورت اجتماع قوه قاهره با عامل انسانی و جمع تقصیر زیان دیده با فعل عامل حادثه، راهکارهای متعدد و متفاوتی در اندیشه های حقوقی و رویه قضایی کشورها ارائه شده است.

در این تحقیق ابتدا به بررسی مفهوم عوامل مجمل و راهکار تطبیقی و جبران آن می پردازیم، بدین صورت که سبب مجمل و ناشناس چیست و هنگامی که جرمی توسط چند سبب به طور همزمان اتفاق بیفتد و سبب به طور مجمل در بین آنها وجود داشته باشد اما مشخص نباشد، کدام سبب باعث ورود ضرر شده که در این مورد راهکارهای قانون مجازات اسلامی و کشورهای دیگر را بیان کرده ایم، که عبارت اند از، عدم مسئولیت، یا تقصیر مشترک، حفاظت گروهی، ولایت حاکم، اماره سببیت، که ما به طور دقیق به بیان راه حل هر مورد در گفتار و جای خود پرداخته ایم، و در آخر اگر هیچ دلیل قانونی و شرعی برای خروج از شبهات موضوعیه وجود نداشت به راهکار قرعه تمسک می جوید که این راهکار زیاد، راهکار منطقی به حساب نمی آید و در حقوق فرانسه چه راهکارهایی را به کار برده اند و آیا این راهکارها عادلانه است یا نه؟ و در صورت ناعادلانه بودن از چه روشی استفاده کرده اند که یکی از موضوعات بحث ما در این گفتار است. در صورتی که تعدد اسباب و مباشران در ورود ضرر دخالت داشته اند، راهکارهای تقصیر مشترک، یا عدم مسئولیت آنها یا تقصیر گروهی و ... به وسیله این موارد و دلیل همراه آنها و پرداخت ضرر را توضیح داده ایم. چون جبران ضرر و حمایت از زیان دیده وظیفه دولتهاست هر یک از دولتها مثل فرانسه و ایران راهکارهایی برای جبران ضرر ناشناخته و نامشخص ارائه داده اند. سپس راهکار و مبانی قانون مجازات اسلامی در مسئولیت عوامل مجمل ارائه شده است.

**مبحث اول: مفهوم عوامل مجمل و راهکارهای تطبیقی در جبران آن****گفتار اول: مفهوم سبب مجمل و ناشناس****بند اول: مفهوم سبب مجمل**

اشخاصی به طور مستقل اما هم زمان، اعمال مشابه انجام می دهند و در نتیجه اقدام یکی از آنها که به طور مشخص قابل تعیین نیست، ضرری به ثالث وارد می آید. (صفری، ۱۳۸۵: ۱۵) یا اینکه چند عامل به طور گروهی به ارتکاب عملی اقدام کنند، به گونه ای که هر یک از عوامل، عمل مستقل، اما متشابه با عمل دیگران را به صورت هم زمان انجام دهد. و در نتیجه اقدام یکی از آنها که به طور مشخص قابل تعیین نباشد، به شخص ثالثی ضرری وارد شود؛ یا در جایی که علت و سبب حادثه زیانبار معلوم است، اما به صورت اجمالی به عنوان مثال یعنی که به طور مستقل، تیری را از روی خطا به سوی فردی شلیک می کنند که موجب قتل وی می گردد و معلوم است که قتل، تنها به وسیله یکی از تیرها صورت گرفته است که در این مثالها، فاعل زیان بین چند عامل مشخص و محصور، مردد است به گونه ای که زیان دیده نمی تواند عامل زیان را به صورت دقیق مشخص کند. فاعل زیان بین چند عامل مشخص و محصور، مردد است به گونه ای که زیان دیده نمی تواند عامل زیان را به صورت دقیق و قاطع بین سایر عوامل، تعیین و معرفی نماید. (هاشمی، بی تا: ۱۹) برای تبیین و روشن تر شدن بیشتر جوانب مسئله، چند مثال می آوریم که در آنها سبب ایراد زیان، مجمل و مردد بین چند عامل می باشد: ۱- گروهی با هم به شکار می پردازند. در این اثنا گلوله ای از تفنگ یکی از آنها به اسب کشاورزی اصابت کرده است، ۲- یا چند نفر به طرف ماشینی سنگ پرتاب می کنند. در نتیجه اصابت یکی از سنگها، شیشه ماشین میشکند یا خسارتی به بدنه آن وارد میشود، در

حالی که معلوم نیست سنگ کدام یک از افراد به شیشه یا بدنه ماشین برخورد کرده است، ۳-یا دو نفر تیر انداز، هر یک به طور مستقل، تیری را از روی خطا به سوی فردی شلیک می کنند که موجب قتل وی می گردد و معلوم است که قتل، تنها به وسیله یکی از تیرها صورت گرفته است. ۴-اهالی یک دهکده، دام های خودشان را برای چرا در مزارع اطراف جاده ها رها می سازند، ناگهان دامی برای عبور به طرف دیگر، به صورت غیر قابل پیش بینی وارد جاده می شود. در همین لحظه، اتومبیلی سر می رسد و با دام یاد شده برخورد می کند و در اثر این برخورد، خسارات فراوانی به راننده وارد می شود. ولی روستائیان مالک دام را معرفی نمی نمایند. ۵-گروهی با توپ بازی می کنند، در هنگام بازی، به دنبال ضربه یکی از بازیکنان، توپ به شیشه مجاور محل بازی اصابت می کند و شیشه را می شکند؛ که در این مثالها فاعل زیان بین چند عامل مشخص و محصور، مردد است به گونه ای که زیان دیده نمی تواند عامل زیان را به صورت دقیق مشخص کند. باید یادآور شد که هر گاه عامل زیان در بین افراد گروه معین باشد، ولی هیچ یک از اعضاء آن را معرفی ننمایند چنان که در مثال چهارم گذشت که اهالی روستا مالک دام را معرفی نکردند مسئولیت جمعی اعضا، به ویژه در جایی که تمام اعضاء مقصر (چه تقصیر عمدی باشد و چه غیر عمدی)، باشند، قوی تر به نظر می رسد. همچنین، اگر برخی از اعضاء یا تمام آنها تعهد قراردادی حفاظت (مانند چوپان) یا مسئولیت قانونی دیگری را بر عهده داشته باشند (مانند کارفرما) و در آن کوتاهی کنند، مسئولیت جبران خسارت بر عهده همین افراد تعلق خواهد گرفت (مسئولیت مبتنی بر تقصیر)؛ ولی هر گاه تقصیر برخی از اعضاء گروه و یا همه آنان احراز نشود و سبب زیان قابل تعیین نباشد. سنگ از پنجره کدام آپارتمان بوده است و یا گروهی شکارچی که همزمان و از یک نوع اسلحه به سمت شکار تیر رها کرده اند و تیر یکی از آنان به اسب کشاورزی اصابت کرده و آن را کشته است تعیین شخص مسئول با مشکل مواجه می شود. اولین پاسخی که در این مورد به ذهن می رسد این است که چون رابطه علیت بین کار هیچکدام از شکارچیان با تلف اسب احراز نشده است، هیچ مسئولیتی در اینجا مستقر نمی شود. ولی این پاسخ در موردی که می دانیم گلوله را یکی از همین شکارچیان شلیک کرده است، عادلانه نمی باشد؛ از این رو؛ در قوانین مدنی برخی از کشورها (ماده ۸۳۰ قانون مدنی آلمان و ماده ۷۱۹ قانون مدنی ژاپن و ماده ۱۳۷ قانون مدنی لهستان) برای مورد یاد شده مسئولیت جمعی و تضامنی پیش بینی شده است.

### بند دوم: مفهوم سبب ناشناس

بر خلاف سبب مجمل که علم اجمالی به مرتکب در میان گروه محصور وجود دارد. لیکن به جهت فقدان علم تفصیلی، شخص مرتکب معین نیست، گاه علم اجمالی نیز موجود نیست و مرتکب نه اجمالا و نه تفصیلا شناخته شده نیست که اصطلاحا به آن سبب یا عامل ناشناس می گویند: (عابدی، ۱۳۹۲: ۹)

مانند قتل در شارع عام یا ازدحام جمعیت بدون اینکه شخص معینی را بتوان و لو به اجمال مسوول شناخت که اصطلاحا سبب ناشناس می گویند و در اینجا نیز سبب به معنای عام و اعم از سبب و مباشر است همچنین، هر گاه مردی که از محله ای عبور می کرده مورد اصابت تیر یا سنگی قرار گیرد و بر اثر آن بمیرد، بی آنکه دانسته شود که آن شیء از کجا پرتاب شده است، به عقیده برخی از فقهای اهل سنت، قسامه و دیه بر عهده اهل آن محل قرار دارد. در این مثال هیچ جمع مشخصی وجود ندارد تا احتمال انتساب ضمان به یکی از آنها قابل طرح باشد و در واقع اینجا عامل ورود زیان، ناشناس می باشد در مورد سبب ناشناس در این موارد، رابطه ی سببیت میان فعل هیچ شخص معین با ضرر محرز نمی شود با وجود آن که مرتکب در میان جمع محصور یا غیر محصور قطعاً حضور دارد و عدم مسئولیت تمامی اسباب محصور به معنای مخالفت قطعی با علم اجمالی است و مسوولیت همه آنان ملازمه ی قطعی با ضمان برخی از اشخاص دارد که قطعاً و ثبوتاً عامل زیان نبوده اند؛ و از طرف دیگر، عدم مسئولیت همه ی اسباب محصور و غیر محصور، با ضرورت حمایت از زیان دیده و لزوم جبران ضرر منافات دارد جمع دو ضرورت احراز رابطه سببیت و حمایت از زیان دیده، هدف مشترک تمام نظریه های حقوقی است.

**بند سوم: تعدد اسباب و مباشران**

دخالت چند عامل به شکل مباشر و سبب در عرض یا طول یکدیگر که باعث ورود خسارت می شوند یا هر گاه دو یا چند عامل، برخی به مباشر و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد، به طور مساوی ضامن می باشند مگر اینکه تاثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر یک به میزان تاثیر رفتارشان مسئول هستند.

**گفتار دوم: راهکارهای حقوق تطبیقی در جبران زیان****بند اول: عدم مسئولیت**

رویه قضایی سابق فرانسه تا نیمه ی قرن ۲۰، به دلایلی مانند عدم احراز رابطه ی سببیت میان فعل هر یک از اسباب مجمل با زیان و مغایرت مسئولیت تضامنی یا مشترک همه ی اسباب مجمل با علم قطعی به ارتکاب زیان به وسیله ی یکی از آنان و اینکه عدم مسئولیت مقتضای عدالت است، به نظریه ی عدم مسئولیت همه ی اسباب مجمل معتقد بود (صفایی، ۱۳۸۸: ۳۴) این نظریه از دو جهت قابل انتقاد است: ریپر حقوقدان شهر فرانسه، محروم کردن زیان دیده از جبران خسارت به جهت ناتوانی در احراز رابطه ی سببیت در علم اجمالی را مغایر عدالت و انصاف می دانست. (صفایی، ۱۳۸۸: ۳۴) و دوم این که عدم مسئولیت همه ی اسباب اجمالی به معنای مخالفت قطعی با علم اجمالی به مسئولیت یکی از اسباب است.

**بند دوم: راهکارهای مسئولیت تضامنی یا مشترک همه عوامل مجمل****الف) تقصیر مشترک**

وقتی عده ای از اشخاص در انجام عملی مشارکت می کنند که نفس مشارکت در آن عمل تقصیر محسوب می شود و لو فعل زیانبار ناشی از عمل یکی از آنان باشد، تقصیر گروهی موجب می شود که همه ی اسباب مجمل را فاعلان مشترک ضرر تلقی کنیم مانند شکار دسته جمعی در محیط غیر مجاز یا انجام عمل جراحی بدون ضرورت یا بدون طی کردن معاینات مقدماتی لازم که در این مثالها تمامی شکارچیان و یا تیم پزشکی در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند ( Jourdain, 1998:207-208) برخی از آرای صادر شده از دادگاهها در فرانسه، زیان حاصل شده از سبب مجمل را جمعی دانسته و مسئولیت آن را به عهده تمامی اشخاص شرکت کننده در فعالیت گروهی بار نموده است مسئولیت گروهی، در جایی است که دو یا چند نفر در بروز خسارتی دست داشته باشند بدون اینکه بتوان تعیین کرد که کدام یک فاعل فعل زیان بار بوده است. محاکم فرانسه برای توجیه مسئولیت گروهی اشخاص دخیل در عمل زیان بار، به دنبال شناسایی ویژگی های عمل زیانباری بودند که به طور مشترک واقع شده است. از این رو در برخی از آرا به وجود تقصیر گروهی استناد شده است. در قضیه که توسط دادگاه بوردو در ۱۳ اکتبر ۱۹۳۶ حل و فصل شد زنی در اثر گلوله که توسط سه شکارچی مستقر در پشت یک پرچین به سمت او شلیک شده بود، مجروح گردید. قضات دادگاه پژوهش اعلام کردند که شکارچیان با شکلی از استقرار که به روشنی از لحاظ دید کافی نبود موجب ایجاد منطقه خطرناک شده اند که میان آنان مشترک بوده است از این رو، مرتکب تقصیر گروهی شده اند. باید دقت کرد که مسئولیت جمعی وقتی قابل شناسایی است که: ۱- علم اجمالی به وجود علت در میان جمع باشد و صرف احتمال، کافی نیست. ۲- گروهی که علت در میان آنها است، جمعی محدود و مشخص باشند به گونه ای که تمام اعضای آن را بتوان شناخت. ۳- اقدام زیانبار، همزمان صورت پذیرد؛ زیرا تنها در این صورت است که می توان همه سلاح های شامل در حادثه را در حکم سلاح جمعی شمرد.

**ب) حفاظت گروهی یا مشترک**

این تنها فعل خطاکارانه انسان نیست که موجب مسئولیت مدنی می شود بلکه فعل اشیا نیز ممکن است موجب مسئولیت کسانی شود که آن ها را در اختیار دارند (ژوردن، ۱۳۸۵: ۹۷ و ۹۸) هنگامی تعدادی از اشخاص به صورت جمعی اختیار

یکسانی در مورد استفاده، هدایت و کنترل یک شیء داشته باشند می توان آنان را محافظان مشترک شیء تلقی کرد. در حقوق فرانسه به استناد بند یک ماده ۱۳۸۴ ق.م؛ که برای محافظ شیء مسئولیت بدون تقصیر مقرر کرده است و این مسئولیت، بر خلاف مسئولیت ناشی از حکم ماده ۱۳۸۲ که بستر حقوقی نظریه تقصیر گروهی است، مبتنی بر تقصیر نمی باشد و بیان کننده مسئولیت تضامنی و نوعی تمام اشخاصی که قانوناً عنوان محافظ را دارند پذیرفته شده است. به عنوان مثال، در عمل جراحی پیچیده ای که چند جراح به طور همزمان حضور دارند یکی از ابزار جراحی که مورد استفاده همه ی اعضاء قرار گرفته، در بدن بیمار جا مانده است بدون اینکه بتوان آن را مستند به قصور یکی از اعضاء کرد، در این صورت تمام جراحان عضو تیم جراحی را می توان محافظان مشترک آن شیء تلقی کرد (Jourdain, 1988:209-210)

### ج) اماره رابطه سببیت

در مسئولیت مدنی سبب مجمل، امکان اثبات رابطه ی سببیت نه تنها برای زیان دیده فراهم نشده است، بلکه ممکن است که هر یک از اسباب مجمل نیز توان اثبات عامل واقعی زیان را داشته باشند و همه ی اسباب مجمل موجب ابهام در احراز رابطه ی سببیت شده اند. همچنین احتمال تبانی میان اسباب مجمل بر عدم معرفی عامل واقعی زیان وجود دارد طبق نظریه ای که توسط پرفسور آزارد و سپس پرفسور نول دوژان دولابتی ارائه شد. مطابق نظریه آنها، باید از طریق ایجاد اماره سببیت که تردید را در مورد وجود رابطه سببیت از بین می برد، بحث را به جایگاه اصلی آن، یعنی اثبات رابطه سببیت منتقل کرد مبنای این نظر بر این استوار بود که شکارچی باید بار اثبات عواقب کار نامشروع خود را نیز بر عهده بگیرد. یا تعدادی از پرستاران شاغل در یک نوبت کاری از اعلام نام پرستار تزریق کننده ی آمپول اشتباهی امتناع کنند. لذا با هدف حمایت زیان دیده، بار اثبات دلیل معکوس می شود و فرض می شود که میان فعل هر یک از اسباب مجمل با زیان رابطه ی سببیت وجود دارد مگر هر یک از آنان بتواند عدم دخالت خود را در وقوع حادثه ثابت کند (Jourdain, 1998: 380)

### د) شخصیت حقوقی اسباب مجمل و ناشناس

این نظریه در کشور فرانسه مطرح شده است. وقتی که یک گروه خود را جمعا متعهد می کنند، این امر منتهی به شخصیت حقوقی عملی می شود که نوعی واقعیت جامعه شناختی است و حقوق نمی تواند موجودیت آن را انکار کند. این تفسیر مزایایی دارد از جمله اینکه موجب کاهش قلمرو مسئولیت تضامن حکمی در فرانسه می شود و هر گروه مستحکم و پیوسته می تواند به شخصیت حقوقی نائل شود (Mayer, 1975: 197) با وجود این، پیروان مبنای شخصیت حقوقی عملی می پذیرند که در صورت احراز یک گروه هماهنگ که به دنبال فعالیت گروهی هستند اسباب مجمل به موجب تضامن حکمی محکوم می شوند.

### ه) ولایت حاکم

در سبب مجمل، از یک طرف حمایت از زیان دیده و لزوم جبران ضرر مقتضی پرداخت خسارت است و از سوی دیگر، عدم مسئولیت همه ی اسباب مجمل یا مسئولیت یکی از آنان با اعمال قرعه عادلانه به نظر نمی رسد و می توان منشاء اختلاف و هرج و مرج باشد. در این حالت قاضی از باب ولایت حاکم می تواند دخالت کرده و شیوه ی جبران خسارت را معلوم کند. وی با توزیع خسارت میان همه ی اسباب مجمل به فصل خصومت می کند (صفری، ۱۳۷۹: ۱۸) و براساس اصل ۱۶۷ ق.ا. قاضی مکلف به رسیدگی و صدور حکم درباره دعوی مطروحه است ولی چنانچه گفته شد، در قوانین موضوعه حکمی در این باره یافت نمی شود. در احکام فقهی نیز به حکم روشن و صریحی در این زمینه بر خورد نکرده ایم و واضح است که نمی توان از قاضی تکلیفی را خارج از توان وی در خواست کرد. بر همین اساس، ذیل اصل ۱۶۷ به قاضی اجازه، بلکه دستور داده است که حکم قضیه را از میان فتاوی معتبر اسلامی بیابد و با اصدار آن، به منازعه خاتمه دهد؛ بنابراین باید این حکم که چندان هم راحت به دست نمی آید از پیش، مطرح و بررسی شده باشد تا دست قاضی برای تطبیق واقعه بر مساله و تعیین حکم آن باز باشد مرحوم میر فتحاوارد متعددی را به عنوان مثال ذکر می کند که فقها معتقدند در این گونه موارد، حاکم از باب ولایت

خویش دخالت و تصرف می کند؛ مانند ولایت او در مال امام (ع) و ترکه کسی که وارث ندارد، ولایت در اجرای حدود و در قضاوت میان مردم، در اخذ مقاصه از مال شخص غایب، در اجبار کردن شخص ممتنع به پرداخت نفقه و در طلاق دادن زوجه مفقود الاثر. به تعبیر ایشان، فقها در این گونه موارد، به عمومیت ادله ی که دال بر ولایت حاکم شرع است، استناد می کنند؛ و در این صورت، اخذ غرامت از مظنونان احتمالی در مسئله مورد بررسی، می تواند یکی از اقدامات حاکم شرع جهت اجرای حکم لزوم جبران خسارت باشد بدین ترتیب واگذار کردن تعیین تکلیف نهایی در مسئله ضمان سبب مجمل، به قاضی و حاکم شرع را یکی از راه حل های موجود در مسئله دانسته و در صورت پیدا نکردن راه حل حقوقی و یا فقهی بهتر، می توان از این راه حل استفاده نمود.

### گفتار سوم: راهکار قرعه

#### بند اول: قاعده قرعه

کلمه قرعه در قرآن در معنای اصطلاحی آن به کار برده نشده، ولی مترادف «مساهمه» به کار رفته است قرآن کریم می فرماید: «و ان یونس لمن المرسلین اذ ابق الی الفلک المشحون فساهم فکان من المدحضین» یکی از روشهای قدیم قرعه کشی این بود که نام یا نامهایی را بر تیر یا تیرهایی می نوشتند تا با در آوردن نام، چاره جویی و مشکل گشایی کنند و بهد این مناسبت قرعه کشی را «مساهمه» می گفتند. به عقیده گروهی از فقهای امامیه در مواردی از شبهات موضوعیه که دلیل شرعی و قانونی برای خروج از شبهه وجود ندارد چاره کار تمسک به قرعه است؛ و به تعبیری با انجام قرعه شبهه رفع و مکلف، مجاز به عمل به نتیجه آن می شود شاید بتوان گفت به راحتی می توان با اعمال قرعه شخص مسئول حادثه را شناسایی کرد از این همه تکلیف جان به در برد. مشهور است که مفاد قاعده قرعه عبارت «القرعه لکل امر مشکل» می باشد ولی ایراد کرده اند که کلمه ای به نام مشکل در ادله وجود ندارد. بلکه آنچه منظور قاعده است کلمه مجهول می باشد و منظور از آن هر امری است که با دلیل قطعی با ظن روشن شده و مجرای اصول عملیه نیز باشد (انجوی نژاد، ۱۳۷۸: ۱۵) از این رو در میان عبارت مذکور گفته اند «القرعه لکل امر مجهول» و یا «القرعه لکل امر متشبه» (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۲۵) در اینکه چگونه ممکن است قرعه به واقع اصابت نماید دو احتمال داده شده است (انجوی نژاد، ۱۳۷۸: ۱۸)؛ اول اینکه خداوند دخالت میکند و ما را به حقیقت رهنون میکند؛ چرا چون این حجت خطا نیست چرا که اگر خطا در آن راه می یافت حجت نمی شد؛ و خداوند در قرآن می فرماید «بل یداه مبسوطتان» (مائده: ۶۴). مدارک و مستندات قاعده از دید معتقدان به حجت آن در کتاب، آیه ۴۰ سوره ال عمران و آیات ۱۳۹ تا ۱۴۲ سوره صافات می باشد که حکایت از جواز قرعه در ادیان سابقه میکند در سنت، از جمله روایتی است که امام علی (ع) برای تعیین پدر کودکی که اشخاص متعددی مدعی ابوت آن بودند حکم به انجام قرعه داد. روایتی نیز از امام صادق (ع) است که در پاسخ به سوال یکی از اصحابش در باب قرعه فرموده است: «فای قضیه اعدل من القرعه اذا فوضوا امرهم الی اله عزوجل تقارعوا، ألیس الله سبحانه یقول، «فساهم فکان من المدحضین» (صافات: ۱۴۱) یعنی کدام قضیه از قرعه عادلانه تر است زمانی که کار خود را به خدا واگذار نموده سپس قرعه بکشید، مگر خداوند در قرآن نفرموده: «پس انگاه قرعه کشیدند و قرعه به نام یونس اصابت کرد» دوم اینکه، قرعه حجت است؛ چون از ائمه اطهار (ع) روایت شده است که در هر مجهولی می توان از قرعه سود جست. می توان گفت قرعه نه به دلیل کشف از واقع، بلکه به سمت حل و فصل اختلافات حجت شمرده شده است در مورد حکمت قرعه گفته اند برای جلوگیری از کینه و پرهیز از ترجیح بدون دلیل و راضی شدن به قضای الهی، در موردی که حقوق و مصالح افراد با هم مساوی اند و بیم آن میرود که بین آنها اختلاف شود، تشریح شده است آیا قرعه را می توان در فرض سبب ناشناس اجرا کرد. این ها پرسش هایی است که ذهن هر محقق را به خود مشغول می دارد. به نظر می رسد از آنجا که همواره این احتمال وجود دارد که اجرای قرعه موجب بی عدالتی شود و با توجه به اینکه در حجیت اعمال این قاعده بین فقها اختلاف وجود دارد (شکاری، ۱۳۷۳: ۳۸) و اساساً اعمال این قاعده مساوی است با عدم توجه به خطر ایجاد شده و نحوه مشارکت اسباب در ورود خسارت و همچنین سستی در تحقیقات دادگاه در کشف حقیقت، از این رو، کمتر مورد توجه حقوق دانان و محاکم ما بوده است و تا حد امکان از آن پرهیز کرده اند. به طور خلاصه، قرعه در شبهات حکمیه و موضوعیه

بدویه قابل استفاده نیست؛ زیرا در این شبهات به وسیله سایر اصول و امارات می توان شبهه را دفع کرد، حال آنکه استفاده از قرعه مشروط به وجود بن بست کامل است. از این رو، هر گاه طریق دیگری برای حل مشکل پیدا شود، نمی توان از قرعه استفاده کرد.

### بند دوم: اعمال قرعه در علم اجمالی

یکی از راههای خروج از بن بست در مسئله مورد بحث، تعیین شخص مسئول توسط قرعه است. قرعه راهی است که به سادگی مشکل را حل می کند و شخص مسئول را برای ما معرفی می نماید. بر این اساس، قاضی برای جبران خسارت زیان دیده که به طور قطع و بر مبنای علم اجمالی لازم است انجام گیرد و نیز برای رهایی از ایرادهای وارد بر نظریه ای که صرفاً به علم اجمالی مستند باشد، باید یک نفر را به حکم قرعه ملزم به جبران نماید به ویژه آنکه طبق گفته مشهور، قرعه راه حل هر امر مشکلی است؛ یعنی در مواردی که دلیل شرعی و قانونی معتبر برای خروج از شبهه و اجمال وجود ندارد، قرعه از راه های معتبر است. نظام حقوقی ایران از این قاعده ی فقهی استفاده کرده است. در فرض اسباب مجمل برخی از فقیهان معتقدند که برای تعیین سبب مسئول باید به قرعه تمسک جست؛ زیرا موضوع مصداق امر مجهولی است که نه تنها هیچ دلیل قطعی یا ظنی برای روشن کردن آن وجود ندارد، بلکه مجرای هیچ اصل عملی نیز نیست و در موارد مشابهی که دو نفر جرحی به شخصی وارد می کنند و جرح یکی از آن دو به قتل مجنی علیه منجر می شود، بدون اینکه معلوم باشد امر جرح علت مرگ است، برای تعیین قاتل به قرعه شده است (مرعشی نجفی، ۱۴۱۵: ۳۷) و با توجه به قاعده ی قرعه (القرعه فی کل امر مشکل) و این قرعه در شبهات موضوعی مقرون به علم اجمالی اجرا می شود که رفع اجمال آن از طریق اصل یا اماره ممکن نیست (بجنوردی، الف، ۱۳۸۶: ۶۷)

و در ماده ۳۱۵ ق.م.ا مصوب ۷۵ که پرداخت به وسیله قرعه برای تعیین مسئول پرداخت دیه پیش بینی شده است (اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد، با قید قرعه، دیه از یکی از آن دو گرفته می شود) که با استناد به این ماده و اخذ وحدت ملاک از آن معتقدند که می توان در سبب مجمل با اعمال قرعه مسئول را تعیین کرد زیرا صرف نظر از این که قرعه را اصل یا اماره، بدانیم (بجنوردی، الف، ۱۳۸۶: ۷۰) مسئولیت مشترک همه اسباب مجمل مخالف قطعی با علم اجمالی به مسئولیت یکی از آنان است و یقیناً به برخی از آنان ظلم شده است (ولاتزروا وازره وزراخری) در حالی که با اعمال قرعه یقیناً به اجحاف نسبت به پرداخت کننده وجود ندارد چون احتمال اصابت قرعه به نام عامل واقعی زیان وجود دارد. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۹: ۳۶۰) اما سوال اساسی در مورد استفاده از این قاعده، آن است که صدور حکم بر اساس قرعه همانطوری که مسئول زیان را سریع تعیین می کند آیا عدالت را تأمین خواهد کرد؟ آیا می توان با قاطعیت گفت: کسی که قرعه به نام او زده شده در واقع هم مسئول حادثه زیانبار است و زیان وارده از عمل او حاصل شده است؟ به نظر می رسد چنین تصمیمی وجود نداشته باشد و قرعه ممکن است به نام کسی درآید که در واقع عامل ایجاد زیان نبوده است. از این رو در استفاده از قرعه همواره ممکن است عدالت نادیده گرفته شود. از این گذشته اعمال این قاعده مساوی است با بی توجهی به خطر ایجاد شده و نحوه مشارکت اسباب در ایجاد زیان و همچنین در دست برداشتن دادگاه ها از کشف حقیقت و تطبیق عدالت. پس دلایل قاعده قرعه ضعیف و سست ارزیابی شده و در عمل هم قاعده قرعه بسیار کم مورد استفاده قرار گرفته است و مبنای صدور حکم واقع شده است. با توضیحات، انجام قرعه برای تعیین مسئول پرداخت خسارت از این نظر مورد اشکال واقع شده است که نفس قاعده قرعه و حجیت آن، به دلایل محکم و مقتضی متکی نیست و بسیاری از فقیهان از جمله آیت اله صافی گلپایگانی آن را قاعده ای سست و متزلزل می داند. با این حال هیچ یک از فقیهان نظریه قرعه را نپذیرفته اند؛ بنابراین، تمسک به چنین قاعده ای برای حل مشکل منطقی نیست. برخی از نویسندگان معاصر (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۲: ۱۸۸) نیز با رد انجام قرعه در تعیین سبب مسئول در بین اسباب مجمل، به قیاس تمسک جست و ضمن مقایسه موضوع با اجتماع اسباب واقعی و تذکر این نکته که در فرض اخیر هیچ کس از فقیهان و علمای حقوق قائل به قرعه برای تعیین سبب مسئول نشده اند،

در فرض اجتماع اسباب مجمل نیز انجام قرعه را غیر قابل پذیرش دانسته اند، هر چند به نظر می رسد قیاس مذکور درست نباشد؛ زیرا در فرض اجتماع اسباب واقعی، یقین به سببیت هست و هدف صرفاً شناخت سبب مؤثر در وقوع زیان است. منطقی است که این سبب را نمی توان با قرعه مشخص کرد؛ اما در بین اسباب مجمل، چون هیچ راهی برای شناخت سبب واقعی وجود ندارد، تمسک به قرعه می تواند توجیهی داشته باشد. با وجود این، این امر به منزله تایید روش قرعه در شناخت سبب مسئول از بین اسباب مجمل نیست، زیرا که انجام قرعه برای تعیین سبب مسئول در فرض اسباب مجمل، عملاً ممکن است به نتایج نا عادلانه و غیر منطقی برسد، برای مثال، چنانچه علم اجمالی به اینکه خسارت وارده به دو نفر به وسیله دو نفر دیگر وارد شده باشد، بدون اینکه معلوم باشد خسارت کدام یک از زیان دیدگان به وسیله کدام عامل زیان ایجاد شده است، اقتضای قاعده قرعه این است که برای تعیین مسئول جبران خسارت هر کدام از زیان دیدگان، جداگانه قرعه کشیده شود، چون دو بار قرعه کشی صورت می گیرد، چه بسا هر دو بار قرعه به نام یکی از اسباب مجمل درآید که این نتیجه را نمی توان پذیرفت افزون بر این، در تعیین مسئول جبران خسارت در منازعاتی نیز که مرتکب اصلی در آنها مشخص نیست، این مشکل وجود دارد.

### گفتار چهارم: مسئولیت دولت

#### بند اول: حقوق فرانسه

سختی و دشواری شناسایی مسئول در اسباب مجمل و ناشناس موجب شد که در کشورهای مختلف رویه قضایی و حقوقدانان تلاش کنند و درصدد راه حلی برای این قضیه باشند. رویه قضایی سابق فرانسه تا نیمه قرن ۲۰، به دلایلی مانند نا مشخص بودن رابطه ی سببیت در بین فعل هر یک از اسباب مجمل با عامل زیان (simlert leguette, 1996:668) و مغایرت مسئولیت تضامنی یا مشترک همه اسباب مجمل با یقین به ارتکاب زیان به وسیله ی یکی از آنان و ضمن اینکه عدم مسئولیت مقتضای عدالت است. به نظریه ی عدم مسئولیت همه اسباب مجمل معتقد بود (صفایی، ۱۳۸۸: ۳۴) که این نظر مورد انتقاد حقوقدانان آن کشور قرار گرفت: و حقوقدانان مشهور (ریپر) محروم کردن شخص زیان دیده از جبران خسارت به جهت نا مشخص بودن عامل زیان و ناتوانی زیان دیده در احراز رابطه ی سببیت در علم اجمالی را مغایر عدالت و انصاف می دانست، (صفایی، ۱۳۸۸: ۳۴) و دوم: اینکه عدم مسئولیت تمام اسباب مجمل به معنی مخالفت قطعی با علم اجمالی به مسئولیت یکی از اسباب است به همین دلایل در فرانسه هنگامی که شخص زیان دیده به هیچ عنوان قادر به اثبات زیان نباشد تنها می تواند به تعهداتی که به نفع او توسط سازمانهای تامین اجتماعی زیر پوشش ارائه می شود تمسک بجوید (حقوق تامین اجتماعی، قانون مستمری و ..... ) و یا اینکه به سراغ تعهدات قراردادی برود (بیمه های خویش فرما)، با وجود این، در این کشور برای برخی از اقسام زیان ها، قانون، راهکارهای خاصی را پیش بینی کرده است که در صورت مجمل و ناشناس بودن فاعل زیان، وارد عمل شود و زیان وارده را جبران کند، قانون بیمه، جبران خسارت های ناشی از تصادفات جاده ای را در صورتی که عامل زیان مشخص نباشد، تضمین کرده است. این راهکارها به موجب قانون ۱۱ ژوئیه ۱۹۶۶، نسبت به حوادث ناشی از شکار نیز تسری یافت. قانون ۲۱ دسامبر ۱۹۶۸، مبانی جبران خسارتی را ایجاد کرد که در خصوص خسارت وارده به محصولات توسط گراز یا حیوانات شکاری بزرگ، به زیان دیدگان اجازه می دهد بدون تعیین عامل زیان؛ خسارت خودشان را درخواست کنند. در مسائل دیگر قانون ۳ ژانویه ۱۹۷۷ که چند بار تغییر یافته است جبران خسارت برخی از تخلفات که عامل آن شناسایی نشده را به هزینه دولت اجازه داده است.

#### بند دوم: حقوق ایران

در قوانین ایران، نیز اقدام هایی در این خصوص انجام داده شده است؛ صندوق تامین خسارت های بدنی که در ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری مسئولیت دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی پیش بینی شده است، به منظور جبران خساراتی است که به علت فرار کردن یا شناخته نشدن مسئول حادثه، پرداخت آن از راه بیمه امکان ندارد. ماده ۲۵۵ ق.م.ا سابق نیز در خصوص مرگ ناشی از ازدحام، در صورتی که برای قاضی قراین ظنی مبنی بر قتل او توسط شخص یا اشخاصی حاصل نشود، پرداخت دیه را



به عهده بیت المال نهاده است. همین وضعیت در مورد جسد مقتولی که در شارع عام پیدا شود نیز حاکم است؛ و ماده ۳۱۵ ق.م.ا سابق هم که پیشتر نقل شد، دیه مقتولی را که دو نفر متهم به قتل اوست و هر کدام دیگری را عامل قتل می داند، در صورتی که دلایل اثباتی لازم بر گناهکاری یکی یافت شود، با قید قرعه به عهده یکی از دو متهم گذاشته است و در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۱/۲/۱۳۹۲ در مورد خسارات بدنی راهکارهای نسبتاً جدیدی را در مواد ۴۷۷ تا ۴۸۷ مقرر کرده است و بر حسب وجود یا فقدان لوث، قاعده ی توزیع خسارت بین متهمان و رجوع به بیت المال را مقرر کرده است و در صورت اقرار تمام یا برخی از متهمان، طبق قاعده ی اقرار، اختیار مجنی علیه در رجوع به هر یک از اقرار کنندگان را پذیرفته است. این موارد نشان از آن دارد که در صورت اجمال عامل زیان، قانون گذار خود در مواردی وارد عمل شده و تکلیف پرونده را از پیش تعیین کرده است.

### مبحث دوم: راهکار و مبانی قانون مجازات اسلامی در مسئولیت عوامل مجمل

قانون مجازات اسلامی در صورت مشخص نبودن عامل زیان به صورت مجمل راهکارهایی ارائه داده است، این راهکارها در ماده ۴۷۷ و ۴۸۳ در مورد اقرار است که به صورت مشخص در جای خود توضیح داده شده است یا در صورت بودن لوث و موارد آن راهکارهای آن را مشخص کرده است یا در صورت ناشناس بودن عامل زیان راهکارهایی را ارائه داده که به طور دقیق مشخص شده است.

### گفتار اول: راهکارهای قانون مجازات اسلامی در مورد عوامل مجمل زیان

#### بند اول: وجود اقرار در میان اسباب مجمل

#### الف) مفهوم اقرار، حجیت و اثر اقرار

##### ۱- مفهوم اقرار

صیغه اقرار آن است که اقرار کننده می گوید: «فلان شخص، نزد من فلان چیز را دارد» یا «فلان شخص در ذمه، من فلان چیز را دارد» و یا عبارتی شبیه این جملات (مانند فلان چیز نزد من برای فلان شخص است) (شهید اول، ۱۳۷۳: ۱۸۷) و در ماده ۱۲۶۰ قانون مدنی: اقرار واقع می شود به هر لفظی که دلالت بر آن نماید.

اقرار در اصطلاح: عبارت است از: اخبار به حقی برای غیر به ضرر خود (شهید اول، ۱۳۷۳: ۱۴۳) مطابق ماده ی ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین.....» هرگاه منشاء علم اجمالی، اقرار متهمان باشد حسب مورد اولیاء یا مجنی علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیر عمدی و قتل و غیر قتل نیست» و به موجب ماده ۴۸۳ همین قانون «هر گاه کسی اقرار به جنایت موجب دیه کند سپس شخص دیگری اقرار کند که مرتکب همان جنایت شده است، و علم تفضیلی به کذب یکی از دو اقرار نباشد مدعی مخیر است فقط از یکی از آن دو مطالبه ی دیه کند».

##### ۲- حجیت اقرار

مطابق قاعده ی مشهور و روایت متواتر نبوی «اقرار الغطاعلی انفسهم جایز» اقرار شخص به زیان خود نافذ و معتبر است» حتی اقرار به مجهول و مبهم (اعم از مجهول بودن موضوع و ذینفع اقرار) و بر همین مبنا، اقرار یکی از ادله عام در اثبات دعاوی حقوقی و کیفری است و در ماده ۱۲۵۸ ق.م.ا که بیان می دارد که اقرار یکی از دلایل اثبات دعوی است و در ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است «هر گاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست.

##### ۳- آثار اقرار

اقرار دلیل قاطع دعوی است و برقاضی تحمیل می شود و قاضی نمی تواند به دلیل اینکه اقرار او را قانع نساخته و یا با قرائن دیگری مخالف است از قبول آن خودداری کند و از خواهان دلیل دیگری بخواهد و در ماده ۱۲۵۹ ق.م.ا بر الزام ناشی از اقرار

تاکید می کند و بیان می دارد هر کس اقرار به حقی برای غیر کند، ملزم به اقرار خود خواهد بود و اقرار کننده ملزم به جبران خسارت طرفی است که به نفع او اقرار کرده است.

### بند دوم: تاثیر وجود اقرار

طبق قاعده اقرار، اختیار مجنی علیه در رجوع به هر یک از اقرار کنندگان را پذیرفته است و در صورت وجود لوث بر برخی از اطراف علم اجمالی طبق موارد در این مورد عمل می شود و هرگاه همه یا برخی از اطراف علم اجمالی، از خوردن سوگند امتناع کنند دیه به طور مساوی بر عهده امتناع کنندگان ثابت می شود و در صورتی که امتناع کننده یک نفر باشد، مسئول پرداخت تمام دیه خواهد بود در این مورد فرقی بین قتل یا یا غیر قتل نیست و در صورت وجود عدم لوث صاحب حق (مجنی علیه یا اولیاء دم او) از متهمان می خواهد که سوگند را بر بی گناهی خود به جای آورند و اگر همه متهمان بر بی گناهی خود سوگند خورند، در این صورت دولت در مورد قتل دیه را از بیت المال می پردازد و در جایی که قتل اتفاق نیافتاده است دیه به تساوی از متهمان دریافت می گردد و مطابق ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی و تبصره آن «در موارد علم اجمالی به ارتکاب جنایت، توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین...» هرگاه منشاء علم اجمالی، اقرار متهمان باشد حسب مورد اولیاء یا مجنی علیه مخیرند برای دریافت دیه به هر یک از متهمان مراجعه کنند و در این امر تفاوتی بین جنایت عمدی و غیر عمدی و قتل و غی قتل نیست» و به موجب ماده ۴۸۳ همین قانون «هر گاه کسی اقرار به جنایت موجب دیه کند سپس شخص دیگری اقرار کند که مرتکب همان جنایت شده است، و علم تفضیلی به کذب یکی از دو اقرار نباشد مدعی مخیر است فقط از یکی از آن دو مطالبه ی دیه کند» و در صورتی که علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یکی از دو یا چند نفر باشد و در صورتی که مرتکب مشخص شود قصاص ساقط است و حکم به پرداخت دیه می شود و واگذاری حق انتخاب و گرفتن دیه نتیجه سنگینی است که قانون دستور آن را داده، اگر دیه را به طور مساوی از هر دو گرفته شود عادلانه تر به نظر می رسد.

### بند سوم: فقدان اقرار در میان اسباب مجمل و حصول لوث

#### الف) مفهوم لوث و نقش آن در اثبات جنایت

لوث عبارتست از وجود قرائن و اماراتی که موجب ظن قاضی به ارتکاب جنایت یا نحوه ارتکاب آن از جانب متهم می شود (م ۳۱۴ قانون مجازات اسلامی) در صورت حصول لوث، از متهم دلیل بر نفی اتهام مطالبه می شود زیرا بر خلاف اموال، در خون، سوگند بر عهده ی مدعی و اقامه ی دلیل بر بی گناهی به عهده ی مدعی علیه می باشد (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۳۰۷) در صورت ارایه ی دلیل، متهم برائت می یابد و قسامه اجرا نمی شود. لیکن در فرض عدم ارایه ی دلیل برائت به وسیله متهم، شاکي اختیار دارد یا اقامه قسامه کند یعنی با ادای سوگند های متعدد جنایت یا خصوصیات آن را ثابت کند، یا از متهم در خواست قسامه کند یعنی متهم با ادای سوگندهای متعدد از خود دفع اتهام کند. (مواد ۳۱۳ و ۳۱۷ ق.م.ا...). در صورتی که شاکي اقامه ی قسامه نکند و از متهم نیز قسامه را مطالبه نکند در جنایت عمد، متهم با اخذ تامین مناسب برای سه ماه آزاد می شود و در غیر عمد بدون اخذ تامین آزاد می گردد. در هر حال حق اقامه ی قسامه یا مطالبه ی آن از متهم، برای شاکي باقی می ماند. (م ۳۱۸ ق. م.ا). در صورتی که شاکي از متهم ادعای قسامه کند و او قسامه اقامه کند تبرئه می شود بدون اینکه شاکي حق تجدید دعوی با قسامه یا بینه را داشته باشد و در صورت امتناع از قسامه، متهم محکوم به پرداخت دیه میشود بدون این که متهم امکان رد قسامه را به شاکي داشته باشد.

#### ب) راهکارهای قانون مجازات اسلامی

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ در ماده ۳۱۵ بیان می دارد: اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام از آنها ادعا کنند که دیگری آن شخص را به قتل رسانده و علم اجمالی در رساندن به قتل توسط یکی از آن دو نفر وجود نداشته باشد و حجت شرعی هم در این رابطه نباشد و نوبت به پرداخت دیه برسد به وسیله قرعه دیه از یکی از آن دو گرفته می شود که این راهکار

یعنی قید قرعه بر خلاف انصاف و عدالت می باشد و در ماده ۴۷۷ و ۴۸۳ به ذکر اقرار پرداخته که در مباحث قبلی به توضیح آن پرداختیم.

در موردی که علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط اشخاصی وجود دارد، قانون گذار دو فرض را مطرح کرده است:

۱- در صورتی که علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یکی از دو یا چند نفر معین وجود دارد: در این فرض در صورت وجود لوث، مطابق قسامه عمل می شود (م.ق.ا. ۳۱۷). یعنی از متهمی که در مورد او لوث وجود دارد دلیل برائت مطالبه میشود؛ و در صورت نتوانستن ارائه دلیل برائت، یا شاکی اقامه قسامه می کند که در این صورت قصاص یا دیه ثابت می شود. (م. ۳۱۳ و ۴۸۰ ق.م.ا.) و یا نوبت به قسامه مدعی علیه می رسد که در این فرض یا مدعی علیه قسامه را اجرا می کند و دیه از بیت المال پرداخت می شود (م. ۴۸۴ ق.م.ا.) و یا مدعی علیه از اجرای قسامه امتناع می کند که در این صورت به پرداخت دیه محکوم می شود در صورتی که ممتنعان متعدد باشند باید دیه را به تساوی پرداخت کنند (م. ۴۷۸ ق.م.ا.) البته به نظر می رسد تسری حکم ثبوت قصاص با قسامه به مورد علم اجمالی، مغایر با لزوم احتیاط در دماء قاعده درء باشد.

۲- قانون مجازات اسلامی در صورت وجود داشتن لوث علیه دو یا چند نفر، به شکل تردید مطرح کرده است که در ماده ۳۳۴ بیان شده که در صورت وجود داشتن لوث بر علیه دو یا چند نفر به شکل تردید، شاکی می تواند از متهمان اقامه قسامه بکند و اگر همه متهمان سوگند بر بی گناهی خود خوردند دیه را از بیت المال می پردازند و اگر تمام آنها یا برخی از آنها از ادای سوگند خودداری کردند دیه بر اشخاص ممتنع یا ممتنعان است و در صورتی که تعداد ممتنعان چند نفر باشد دیه به نحو متساوی بین آنها پرداخته می شود و در ماده ۳۳۲ بیان می دارد که در صورت حاصل شدن لوث علیه دو یا چند نفر به شکل تردید مجنی علیه یا ولی دم می تواند مرتکب را مشخص کند و با قسامه علیه او جنایت و پرداخت دیه را مشخص کند، سپردن حق انتخاب به مجنی علیه یا ولی دم، با وجود اینکه مرتکب قتل مورد تردید بین دو یا چند شخص می باشد و ثابت شدن قصاص و دیه، نتیجه غیر قابل جبرانی است که قانون آن را انتخاب کرده است. سلفق شدن قصاص و محکومیت همه به پرداخت دیه به شکل تساوی با قاعده ی الحدود تدرء بالشبهات که در قصاص اجرا می شود پذیرفته شده است و عادلانه تر هم به نظر می رسد و در ماده ۳۳۲ در صورتی که لوث علیه دو یا چند نفر به شکل مردد وجود داشت بیان داشته در صورتی که لوث علیه دو یا چند نفر به شکل تردید به وجود بیاید و به همین شکل علیه آنها اقامه قسامه شود، جنایت بر عهده یکی از آنها به صورت تردید ثابت می شود و در این مورد قاضی از متهمان بر بی گناهی خود ادای سوگند می کند که اگر متهمان سوگند یاد کردند دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، همه به طور مساوی به پرداخت دیه محکوم می شوند و در صورتی که متهم یا متهمان از ادای سوگند امتناع کردند دیه به شکل مساوی بین آنها تقسیم می شود (عابدی، ۱۳۹۲، ۹).

#### بند چهارم: فقدان اقرار در میان اسباب مجمل و فقدان لوث

به موجب ماده ۴۷۷ قانون مجازات اسلامی در صورت علم اجمالی به ارتکاب جنایت توسط یک نفر از دو یا چند نفر معین و عدم وجود لوث، دو فرض است:

۱- صاحب حق (مجنی علیه یا اولیاء دم) از متهمان مطالبه ی سوگند می کند و همگی بر عدم ارتکاب جنایت سوگند می خورند که در این صورت در مورد قتل دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل، دیه به تساوی از متهمان دریافت می گردد.

۲- با وجود مطالبه ی سوگند از متهمان، همه یا برخی از اطراف علم اجمالی از اتیان سوگند امتناع می کنند که در این فرض، اگر ممتنع واحد باشد، به تنهایی عهده دار دیه می باشد و اگر متعدد باشند، باید دیه را به تساوی بپردازد.

در این فرض، به دلیل فقدان لوث، امکان قصاص منتفی است. ماده ۴۸۲ ق.م.ا؛ بر این امر تصریح دارد که: «در موارد علم اجمالی به انتساب جنایت به یکی از دو یا چند نفر و عدم امکان تعیین مرتکب، چنانچه جنایت عمدی باشد، قصاص ساقط و حکم به پرداخت دیه می شود» ماده ۴۷۹ ق.م.ا. نیز فرض دیگری از سبب مجمل را بیان می دارد: هر گاه کسی در اثر رفتار

عده ای کشته یا مصدوم شود و جنایت مستند به برخی از رفتارها باشد و مرتکب هر رفتار مشخص نباشد، همه ی آنها باید دیه ی نفس یا دیه ی صدمات را به طور مساوی بپردازد.

### بند پنجم: سبب ناشناس

که در سبب ناشناس، مرتکب نه اجمالا و نه تفصیلا، مشخص نیست مثل هنگامی که قتلی در شارع عام با ازدحام جمعیت اتفاق می افتد، بدون اینکه شخص معینی را بتوان ولو به اجمال مسئول شناخت که در این موارد مسئول حادثه ناشناس است و در اینجا نیز سبب به معنای عام و اعم از سبب و مباشر است، در مورد سبب ناشناس در این موارد، رابطه سببیت میان فعل هیچ شخص معین با ضرر محرز نمی شود، با وجود آن که مرتکب در میان جمع محصور یا غیر محصور قطعاً حضور دارد و عدم مسئولیت تمامی اسباب محصور به معنای مخالفت قطعی با علم اجمالی است و مسئولیت همه آنها، ملازمه قطعی با ضمان برخی از اشخاص دارد که قطعاً و ثبوتاً عامل زیان نبوده اند و از طرفی دیگر، عدم مسئولیت همه ی اسباب محصور و غیر محصور، با ضرورت حمایت از زیان دیده و لزوم جبران ضرر منافات دارد جمع دو ضرورت احراز رابطه سببیت و حمایت از زیان دیده، هدف مشترک تمام نظریه های حقوقی است.

### گفتار دوم: مبانی راهکارهای قانون مجازات اسلامی در مسئولیت مدنی عوامل مجمل

#### بند اول: مبانی اقرار

#### الف) قاعده اقرار

در ماده ۱۲۵۹ ق.م. اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود که نشان دهنده پذیرفتن اقرار است؛ و مطابق قاعده مشهور و روایت متواتر نبوی «اقرار العقلای علی انفسهم جایز» اقرار شخص به زیان خود نافذ و معتبر است، حتی اقرار به مجهول و مبهم (اعم از مجهول بودن موضوع و ذینفع اقرار)؛ و بر همین مبنا، اقرار یکی از ادله عام در اثبات دعاوی حقوقی و کیفری است؛ و ماده ۱۲۵۸ ق.م؛ که بیان میدارد که اقرار یکی از دلایل اثبات دعوی است و در ماده ۲۰۲ ق.ا.د.م که آمده است «که هر گاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست؛ بنابراین اقرار دلیل واقعی و قاطع دعوی است و بر قاضی تحمیل می شود؛ و قاضی نمی تواند به دلیل اینکه اقرار او را قانع نساخته و یا با قرائن دیگر مخالف است، از قبول آن خودداری کند و از خواهان دلیل دیگری بخواهد و در ماده ۱۲۷۵ بر الزام ناشی از اقرار تاکید می کند و بیان می دارد «هر کس اقرار به حقی برای غیر کند، ملزم به اقرار خود خواهد بود. در خصوص این که اقرار دلیل واقعی است یا اماره، اتفاق نظر وجود ندارد. در حالی که از مفاد روایت مذکور و مواد ۱۲۵۸ ق.م.و ۲۰۲ ق.ا.د.م. ممکن است استنباط شود که اقرار دلیل واقعی است در مقابل تجربه علمی ثابت می کند که برخی اقرارها به دلایلی مانند اشتباه، اکراه، شکنجه، هزل گویی و محاسبات غلط و تقلب آمیز اقرار کننده یا حمایت از این یا آن با واقع مخالف است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۳) مفاد ماده ۱۲۷۷ ق.م. در مورد مشروط بودن اعتبار اقرار به فقدان دلایل مخالف و ماده ۱۲۷۲ ق.م. در خصوص نسبی بودن اقرار و خنثی شدن اثر آن با تکذیب مقررله، تماماً نشان می دهد که اقرار اماره بر وجود واقع است، چنان که برخی حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۳-۲۵۵) و فقها (بجنوردی، ۱۳۸۶: ۵۰) به اماره بودن اقرار تصریح کرده اند و بعضی دیگر (حسینی مراغه ای، ۱۳۸۸: ۳۵۸) با بیان اینکه معنای قاعده اقرار این است که احکام شرعی بر موضوع اقرار مترتب می شود یعنی آنچه را که به آن اقرار شده مفروض و موجود می داند نه آنکه واقعا محقق شده باشد، تمایل خود را به اماره بودن اقرار نشان داده اند. فایده عملی اقرار در جایی ظاهر می شود که اقرار با سایر ادله مانند علم قاضی در تعارض باشد واز ماده ۲۰۲ فهمیده می شود که اقرار بر سایر ادله ها مقدم است و بعضی از دانشمندان حقوق (حسینی مراغه ای، ۱۳۸۸: ۲۲۴) به نحو مطلق می گویند که در تعارض بین اقرار و سایر ادله ها، اقرار بر سایر ادله ها مقدم است چون اقرار واقع را بیان نمی کند و فقط فصل خصومت می کند. ولی سایر ادله ها حقیقت را کشف می کنند اما به نظر می رسد باید قائل به تفصیل شد؛ و در تعارض بین اقرار و شهادت شرعی که بر قاضی تحمیل می شود شهادت بر اقرار مقدم می باشد، چون شارع بینه را راه رسیدن به واقع

دانسته ولی اقرار راه رسیدن به واقع نیست؛ و تنها مقرر ملزم به مفاد آن است و به این جهت آن را حجت قاصره نامیده اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۵۵) و منظور از مدارک قاعده، دلایلی هستند که بر اعتبار و حجیت اقرار دلالت دارند و در باب حجیت اقرار می توان به آن ها اعتماد و اتکا نمود. این ادله عبارتند از؛ آیات قرآن کریم: که در سوره آل عمران، آیه ۸۱ میفرماید (...قال ءاقررتم و اخذتم علی ذلکم اصری ...). «یاد کن انگاه که خدا از پیغمبران (و امتهاشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می داد به او ایمان آورده و یاری او کنید؛ خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم. خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.» و در اخبار و احادیث قال النبی (ص) «قولوا الحق و لو علی انفسکم» یعنی حق بگویید هر چند به ضرر شما باشد یا بر اساس اتفاق عقلا که اگر دیده شود که شخصی به ضرر خودش اقرار کرده است، معلوم می شود که می خواهد به بیان واقع اقرار کند؛ و در نهایت در تعارض اقرار با سایر ادله ها مانند علم قاضی و گواهی باید بین امور مدنی و کیفری فرق گذاشت: در دعاوی مدنی اقرار موضوعیت دارد و بر سایر ادله مقدم است ولی در دعاوی کیفری، اقرار طریقیست دارد و علم قاضی داور نهایی است (م. ۱۷۱ ق.م.ا).

### بند دوم: مبانی مسئولیت بیت المال در عوامل مجمل

#### الف) کوتاهی دولت در تامین شهروندان

ممکن است در توجیه مبانی این احکام گفته شود؛ که دولت اسلامی از باب وظایفی که به عنوان حاکم بر عهده دارد و در قبال مالیاتی که از شهروندان دریافت می کند وظیفه دارد تا امنیت آنها را تامین کند. رخ دادن قتل و جرح به خودی خود نشان می دهد که دولت در تامین امنیت مرتکب تقصیر یا کوتاهی شده است و پرداخت دیه به مجنی علیه یا اولیاء دم از باب مسئولیت ناشی از تقصیر مفروض است که اثبات خلاف آن ممکن نیست این استدلال از دو جهت کامل نیست: یکی اینکه مسئولیت بیت المال به پرداخت دیه محدود به موارد (۴۸۷، ۴۸۴، ۴۷۷، ۳۳۴، ۳۳۳، ق.م.ا) خاص شده و قانون بیمه ی اجباری (۱۰۰ م) در مورد سبب مجمل و ناشناس، بیت المال را مسئول پرداخت دیه فعل و جراحت دانسته است؛ و نمی توان در تمام موارد جرح و قتل، بیت المال را برای اخذ دیه تعقیب کرد. دوم اینکه: مسئولیت بیت المال محدود به قتل است و شامل زیانهای مالی و معنوی نمی شود در حالی که اگر مبنا تصور در تامین باشد نباید تفاوتی میان انواع خسارات باشد.

#### ب) ولایت حاکم و سوابق فقهی آن

در آیه ۶ سوره مبارکه احزاب آمده است: النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم. مفسران (مکارم شیرازی و همکاران ۱۳۷۹، ۲۰۴) در تفسیر این آیه به حدیث نبوی اشاره کرده اند که پیامبر (ص) فرموده است: من از هر مومنی نسبت با او سزاوار تر و اولی هستم کسی که مالی از خود بگذارد برای ورثه اوست و کسی که بدهکار از دنیا برود و یا فرزندی داشته باشد، دین متوفی و کفالت فرزندان و همسر او بر عهده من است و همچنین در تفسیر آیه ۱۸۱ سوره ی مبارکه بقره به روایتی از امام رضا (ع) اشاره شده است که در مورد بدهکار ناتوان و معسر و لزوم اعطای مهلت عادلانه به او، فرموده است: (نعم ینتظر بقدر ما ینتهی خبره ای امام فیضی عنه مال علیه سهم الغارمین) یعنی طلبکار آنقدر منتظر می ماند تا خبرش به امام برسد و او قرض بدهکار را از سهم غارمین که به عهده ی امام است بردارد (کافی، جلد ۵، ۹۳، به نقل از: بهرامی احمدی، ۱۳۸۸، ۵)

#### ج) جنبه اثباتی قاعده لاضرر و سوابق فقهی

یکی از معانی مهم وارده درباره قاعده لاضرر؛ لزوم جبران ضرر وارده است. توضیح این که گروهی از فقیهان امامیه معتقدند به حکم عقل قاعده لاضرر دلالت بر لزوم جبران خسارت وارده دارد؛ به عبارت دیگر، به هنگامی که عملی از نگاه عقل ناپسند است، همین عقل حکم می کند که فاعل فعل یاد شده مکلف به رفع نتایج فعل یاد شده هست که همانا جبران زیان وارده باشد. گذشته از این، در صورتی که معنای نهی به روایت هم لازمه نهی، حرمت ضرر زدن است و البته اضرار به هنگامی حرام

محسوب می شود که جبران نشود بنابراین و به منظور جلوگیری از وقوع حرام، حکم بر لزوم جبران می شود. چه تقصیری در ضرر زدن از ناحیه فاعل باشد یا نه. ضمن این که برداشت عرف از این حدیث آن است که ضرر باید جبران شود و برداشت عرف آن است که هر کس زبانی وارد کند، مکلف به جبران ضررهای یاد شده است. در خصوص اثبات ضمان از قاعده لاضرر در بین فقها شیعه تشتت آرای وجود دارد این که آیا می توان از این قاعده برای اثبات ضمان بهره جست یا نه. در مورد روایت نبوی: لا ضرر و لا ضرار که غالباً تحت عنوان قاعده ی لاضرر مطالعه می شود، اختلاف شده است که آیا واجد حکم اثباتی است یا خیر؟ مستلزم بررسی دلایل و مدارک آن می باشد که به طور مختصر به آنها می پردازیم: مشهورترین روایت در این زمینه مربوط به قضیه سمره این جندب است؛ که در تمام عبارات مذکور عبارت لاضرر و لاضرار مشترک می باشد (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۵، ۱۲۵، موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۷، حسینی سیستانی، ۱۴۱۴: ۱۸، خوانساری نجفی، ۱۳۶۷: ج ۱، ۱۹۲) و مشهور فقها مانند شیخ انصاری و میرزای نایینی اثبات هر گونه حکم اثباتی با قاعده لاضرر را نفی می کنند زیرا لازم می آید که فقه جدیدی تاسیس شود و تمام خساراتی که تحت عناوین خاص موجبات ضمان نیامده از بیت المال جبران شود: در مقابل پاره ای از فقها (حسینی مراغه ای، ۹۹ - ۱۱؛ به نقل از زنجانی، ۱۳۸۹: ۱۰۶) که مفاد قاعده لاضرر را امری عرفی و عقلایی دانسته و آن را مقتضای عدالت و حکمت شمرده اند معتقدند هر نوع ضرر جبران نشده باید جبران گردد و قاعده لاضرر در مورد ضررهای غیر متدارک از موجبات ضمان محسوب می شود زیرا تحریم اضرار به معنای تحریم تداوم وضع حاصل از اضرار می باشد و این خود مستلزم دفع ضرر و جبران خسارت است.

#### د) حرمت خون مسلمان

در فقه اسلامی و به تبع آن در قانون مجازات اسلامی تقسیم بندی نظام ضمان قهری به دو دسته ی نظام جبران خسارت بدنی (ضمان بالنفس) و نظام جبران خسارت مالی (ضمان بالمال) وجود دارد. (بادینی، ۱۳۸۴: ۶۱۵ به نقل از عابدی، ۱۳۹۳) در فقه اسلامی با توجه به قاعده ی لایبطل دم امری مسلم یعنی احترام خون مسلمان، در موارد متعددی به پرداخت دیه از بیت المال حکم داده شده است مانند علم اجمالی به قتل غیر عمد توسط یکی از دو نفر (صانعی، ۱۳۸۴: ۲۵۵ به نقل از عابدی، ۱۳۹۳) یا چنانچه جسد شخصی در شارع عام پیدا شود و هیچ گونه دلیل قطعی یا ظنی بر انتساب قتل او به شخص یا اشخاص در دسترس نباشد، یا در مورد کسی که بر اثر ازدحام به قتل برسد و قرائن ظنی بر انتساب قتل او شخص یا جماعتی نباشد و مصادیقی را که در قانون مجازات اسلامی به پرداخت دیه از بیت المال تصریح شده است بررسی کردیم البته قاعده کلی آن است که هر گاه مسلمانی را کشته بیابند و قرائن ظنی برای قاضی درباره قتل او به شخص یا اشخاص معینی وجود نداشته باشد، دیه از بیت المال پرداخت می شود که ماده ۲۵۵ ق.م.ا سابق شاهد بر این مدعا ست دیوان عالی کشور موردی را که فردی در اثر تصادف کشته شده است و راننده مقصر فرار کرده است، از مصادیق ماده ۲۵۵ ق.م.ا دانسته و به واسطه نا معلوم بودن قاتل و از به منظور هدر رفتن خون مسلمان، می توان به مسئولیت بیت المال در خصوص دیه قائل شد بدیهی است که در همه موارد، پرداخت دیه از بیت المال منوط به مطالبه اولیا دم می باشد. این امر نشان می دهد که در حقوق اسلام به خسارت بدنی توجه ویژه ای شده است و مبتنی نبودن مسئولیت بر تقصیر و الزام عاقله به پرداخت دیه (بادینی، ۱۳۸۴: ۶۱۵) و محکومیت مساوی متهمان به تادیه دیه در مورد علم اجمالی همگی حکایت از حرمت جسم و خون مسلمان دارد، هر چند که پرداخت دیه در مواردی و نپرداختن آن در موارد دیگر و کم توجهی به خسارات معنوی، علیرغم تاکید روایات بر احترام آبروی مسلمان مانند خون وی، در رویه ی قضایی و فتوای فقها قابل انتقاد است (عابدی، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۸).

#### بند سوم: مبانی تساوی مسئولیت اسباب مجمل

##### الف) تقصیر مشترک یا ایجاد خطر مشترک

مسئولیت گروهی دقیقاً در جایی مطرح میشود که دو یا چند نفر در بروز خسارتی دست داشته اند بدون آنکه بتوان تعیین کرد که کدام یک فاعل فعل زیانبار بوده است و منظور از تقصیر گروهی یا تقصیرهای مرتبط، تقصیری است که به طور کاملاً

طبیعی اجازه می دهد اعضای یک گروه عامل زیان را فاعلان مشترک بدانیم. این تقصیر بیشتر مربوط به حوادث ناشی از فعالیت ورزشی یا ناشی از بازی دسته جمعی می باشد و از میان ورزش ها نیز ورزش شکار موضوع حکم صادره است؛ و صرف مشارکت در حادثه ای که منتهی به قتل یا جرح شود و یا دخالت در نزاع دسته جمعی که احتمال جنایت در آن هست خود تقصیر است و مداخله کنندگان در آن، محیط خطرناکی را ایجاد کرده اند که مسئولیت ما به ازاء همین تقصیر و ایجاد خطر است. پس همانگونه که در دکترین و رویه های قضایی کامن لا و فرانسه به مسئولیت مشترک و یا تضامنی قائل شده اند قانون گذار ایرانی نیز مسئولیت مشترک و مساوی را به عنوان ضمانت اجرای عمل تقصیر کارانه و یا خطرآمیز پذیرفته اند.

### ب) اماره سببیت

همان گونه که سابقا گفته شد هر یک از اسباب مجمل با دخالت در گروه معین که زیان منتسب به یکی از اعضای آن است امکان احراز رابطه ی سببیت را تضعیف کرده است؛ و مقنن با مسئولیت مشترک یا تضامنی همه ی اعضاء و معکوس کردن بار اثبات فرض سببیت میان فعل هر یک از اعضاء با زیان بر قرار کرده است. مگر هر یک از خواندگان بتواند دلیل عدم دخالت خویش را در وقوع زیان ثابت کند. وینی و ژردن دو حقوق دان فرانسوی بر این نظریه صحه نهاده اند. این دو حقوقدان معتقدند که از آنجایی که دادگاه ها از ایجاد برخی امارات و کاهش بار اثبات محروم و منع شده اند همین که مدعی دلیل بیاورد که زیان از ناحیه عضوی از یک گروه ایجاد شده است، با جمع سایر شرایط دعوای مسئولیت مدنی، باید به نفع او رای داد و بار اثبات عدم دخالت مادی اعضای گروه در زیان بر عهده هر یک از خواندگان خواهد بود به بیان دیگر مسئولیت تضامن حکمی عاملین احتمالی زیان که ناشناس هستند به محض اینکه مدعی ثابت کند زیان از ناحیه شخص دیگری وارد شده است ایجاد میشود. همین که این دلیل آورده شود، خواندگان باید خلاف آن را ثابت کنند. این تحلیل به اماره سببیت منتهی می شود. نظری که عده ای به طور ضمنی به آن اشاره کرده اند. به نظر می رسد این مبنا نمی تواند با قانون مجازات اسلامی و روایات گفته شده سازگار باشد زیرا مسئولیت مساوی و مشترک همه ی اعضاء قطعی است و امکان قانونی برای اقامه ی دلیل مخالف وجود ندارد. به بیان دیگر اگر هم بتوان قائل به فرض شد باید آن فرض را غیر قابل رد تلقی کرد.

### ج) روایات

در میان روایات وارد شده از امامان معصوم ما، دو روایت وجود دارد که بر توزیع مسئولیت در مورد عدم امکان تعیین مسئول در فرضی که عامل در میان جمع محصور به صورت مجمل وجود دارد، دلالت دارد. اول: حدیث صحیح سکونی از امام صادق (ع) در مورد قضاوت کردن حضرت علی (ع) در مورد مرگ نوجوانی است که در فرات غرق شده در حالی که به همراه ۵ نفر از دوستانش بوده است؛ و ۳ نفر از آنان علیه دو نفر و دو نفر اخیر علیه ۳ نفر اولی شهادت داده اند و تعارض ادله بین آنها حادث شده است در این مورد حضرت علی (ع) ۲/۵ دیه را به عهده ۳ نفر و ۳/۵ دیه را به عهده ی دو نفر قرار داده اند: (به نقل از: صادقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۲)؛ دوم: حدیث صحیح از محمد بن قیس از امام باقر (ع) در مورد قضاوت کردن حضرت علی (ع) در مورد نزاع دسته جمعی بین چهار نفر که دو نفر از آنان مجروح و دو نفر آنان کشته می شوند که در حالی که مرتکبان قتل و جرح بین آنها مشخص نشده است، در این مورد حضرت علی (ع) فرموده اند که دیه دو نفر مقتول به عهده ی دو شخص زنده و دیه جراحات وارد شده به دو شخص زنده به ذمه ی مقتولان است. در این روایات از حق زیان دیده در رجوع به همه ی افرادی که علم اجمالی به دخالت آنان در جنایت وجود دارد و تساوی مسئولیت همه ی اسباب مجمل به پرداخت دیه حمایت شده است؛ و اگر مانند برخی فقهاء (الشروانی، والعبادی، بی تا: جلد ۲، ۴۹۳؛ به نقل از: صادقی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۴) این روایات را محدود به قضیه ی خاص ندانیم که دلایل آن فقط بر امام معصوم معلوم بوده، باید گفت که توزیع مسئولیت و تقسیم خسارت بین همه ی اسباب مجمل سابقه ی شرعی و فقهی دارد و حکم مقنن و فتوای برخی فقها بر این مبنا می باشد.

## نتیجه گیری

از بررسی هایی که در این تحقیق درباره اجتماع سبب و مباشر انجام گرفته هنگامی که ورود ضرر به خاطر اجتماع سبب و مباشر باشد، مباشر چون علت اصلی و بی واسطه وارد کردن ضرر است مباشر مسئول واقعی قرار است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. که در این صورت سبب مسئول جبران خسارت است (ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۵) که در این ماده اول مسئولیت متوجه مباشر است و در صورتی که سبب اقوی باشد مسئولیت از عهده مباشر خارج می شود که قانون مجازات اسلامی در ماده ۵۳۳ راهکارهایی را ارائه داده است که این راهکارها عبارتند از: نظریه قابلیت انتصاب، اصل تساوی مسئولیت - مسئولیت به میزان تأثیر؛ که راهکار سومی یعنی مسئولیت به میزان تأثیر یکی از راه حل های عادلانه ای است که می تواند در جامعه برقرار شود و با توجه به اینکه در حقوق ایران مسئولیت تصامنی خلاف اجرای عدالت است و باید هر کسی مسئول خسارت ناشی از عمل خویش باشد.

در مورد سبب مجمل که قانون مجازات اسلامی نظریه تقسیم مسئولیت به طور مشترک و مساوی را پذیرفته اما در صورتی که سبب ها نتوانند عدم رابطه سببیت خود را با ضرر ثابت کنند از مسئولیت مبری می شوند و زمانی که دولت به خاطر مشخص نبودن رابطه سببیت نتواند عامل زیان را معرفی کند متوسل به قاعده قرعه می شود.

## منابع و مأخذ

## قرآن کریم

۱. حسینی مراغی، میر عبد الفتاح (۱۳۸۸)، العناوین، ترجمه و شرح از عباس زراعت، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، نشر جنگل جاودانه.
۲. زوردن، پاتریس، (۱۳۸۵)، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه و تحقیق از مجید ادیب، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۳. شکاری، روشنعلی (۱۳۹۱)، بحثی پیرامون ماده ۳۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، دانشکده علوم و حقوق، فصلنامه حقوق، دوره ۴۲، شماره ۱.
۴. شهید اول، لمعه دمشقیه
۵. شیخ طوسی، المبسوط، (۱۳۸۷)، به نقل از صادقی و همکاران، بی جا.
۶. صفایی، سید حسن، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی، جلد ۲، بی جا.
۷. صفری، محسن، (۱۳۷۹)، مسئولیت مدنی سبب مجمل، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۹.
۸. عابدی، محمد، (۱۳۹۲)، معمای تعدد اسباب در قانون مجازات اسلامی با تأکید بر مسئولیت مدنی اسباب و عوامل متعدد در خطای پزشکی، چهارمین همایش سراسری طب و قضا.
۹. عابدی، محمد، (۱۳۹۲)، راهکار قانون مجازات اسلامی در مسئولیت مدنی سبب مجمل و قلمرو اعمال آن در خطای پزشکی، چهارمین همایش سراسری طب و قضا.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، اثبات و دلیل اثبات، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
۱۱. مرعشی نجفی، سیدشهاب الدین، قصاص علی الضوء القرآن و السنه.
۱۲. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۹) قواعد فقه-بخش جزایی، جلد چهارم، چاپ اول، تهران، نشر علوم اسلامی.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر؛ بهجت، محمدتقی، نورانی، همدانی (۱۴۱۶ ق)، القواعد الفقیه، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۱۴. موسوی بجنوردی، میرزا حسن (۱۳۹۱)، قم، القواعد الفقیه، دارالکتاب العلمیه.
۱۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۶)، تحریر الوسیله، جلد دوم، تهران، انتشارات مکتب العلمیه الاسلامیه.
۱۶. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۹)، جرائم علیه اشخاص، چاپ هفتم، تهران، نشر میزان.
۱۷. نجفی خوانساری، موسی (۱۳۵۸ ق)، منیه الطالب، نجف، مرتضوی.



19. Terre, Francois et Simler, Philippe et Lequette, Yves (1996), Droit civil, les Obligation, 6 Edition, Paris, Dalloz.
20. Viney, G. et Jourdain P. (1998), Traite de Droit Civil, les Conditions de la Responsabilite, 2 Edition, Paris, L.G.D.j.
21. Mayer, (1975), 197 ets /n/ 32 a/34.
22. John Stuart Mill, a system of logic, Pl & O2.
23. Maximilian Von Huri, die Kausalitat and derem (1873) s 4.